

تعدیل مهر

چکیده

گرچه عقد نکاح یک عقد غیر مالی است و بدون تعیین مهر حتی با شرط عدم تعیین آن نیز منعقد می شود (مستفاد از ماده‌ی ۱۰۸۷ ق.م.ا^۱ ولی به حکم غلبه پس از تراضی زن و مرد در خصوص مسائل گوناگون زندگی مشترک از جمله مهر منعقد می شود. بنابراین: اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود (همان ماده). همچنین هر گاه زن و مرد اختیار تعیین مهر را به زوج یا زوجه یا ثالث تفویض کرده باشند، حسب مورد کسی که اختیار تعیین مهر به او وگذار شده است مهر را تعیین خواهد کرد (مواد ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰ ق.م.ا). وانگهی، در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد، در صورت اول و دوم، زن مستحق مهرالمثل و در صورت اخیر مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر این که صاحب مال اجازه نماید (ماده‌ی ۱۱۰۰ ق.م.ا). به علاوه، مطابق قواعد عمومی، اگر مهر تعیین شده باشد ولی مقدار یا جنس یا مکان یا زمان تأدیه‌ی آن درست ثبت نشده باشد اشتباهات ثبّتی باید اصلاح شود.

تعدیل قانونی مهر (به معنای اخص کلمه)^۲ نیز پذیرفته شده است (تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۸۲ ق.م.ا).^۳

۱- به موجب ماده‌ی ۱۰۹۵ ق.م.ا: در نکاح منقطع عدم مهر در عقد، موجب بطلان است.

۲- ر.ک: ش ۲.

۳- ماده‌ی واحده‌ی قانون الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۱۰۸۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۶ مقرر می دارد: «چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه‌ی زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد (سال وقوع عقد) که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر این که زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند». هیأت وزیران آیین نامه‌ی اجرایی ماده‌ی واحده‌ی مذکور را در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۱۳ تصویب کرد. به موجب این آیین نامه درخواست یکی از زوجین برای تعدیل مهر لازم است (ماده‌ی ۱) که در این صورت: متوسط شاخص بها در سال قبل (از محاسبه)، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضرب در (مبلغ ریالی) مهریه‌ی مندرج در عقد نامه (ماده‌ی ۲). ماده‌ی ۳ آیین نامه مقرر می دارد: در مواردی که مهریه‌ی زوجه باید از ترکه‌ی زوج متوفی پرداخت شود، تاریخ فوت مبنای محاسبه‌ی مهریه خواهد بود.

در تمام مواردی که مهر پس از عقد تعیین، تعدیل یا اصلاح می شود احکام مهر جاری است و زوجه از ضمانت اجراهای ویژه‌ی مطالبه‌ی دین مربوط به مهر بهره مند می شود.^۱

رای هیأت عمومی^۲ دیوان عدالت اداری نیز که به استناد نظریه‌ی شورای نگهبان قانون اساسی انشاء شده در نوع خود بدیع است و به نظر می رسد که بر مبنای نوعی مصلحت سنجی و پیشگیری از طرح مجدد مباحث مربوط به مهریه در خانواده‌ها به ترتیب ذیل صادر شده است: «به شرح نظریه‌ی شماره‌ی ۳۵۰۷۹/۳۰/۸۸ مورخ ۸۸/۵/۱۲ شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مهریه‌ی شرعی همان است که در ضمن عقد واقع شده است و ازدیاد مهر بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و ترتیب آثار مهریه بر آن خلاف موازین شرع شناخته شد. بنابراین جزء (ب) از قسمت ۱۵۱ بخشنامه‌های ثبتی که نتیجتاً مبین امکان افزایش مهریه به شرط تنظیم سند رسمی است مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده‌ی ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می شود».

۱- برای ضمانت اجرای ویژه‌ی مطالبه‌ی دین مربوط به مهر، ر. ک: ماده‌ی ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و قوانین و مقررات مرتبط با آن: ماده‌ی ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ مقرر می دارد: «هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود... و آن را تأدیه ننماید، دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد...». با کمال تأسف بند (ج) ماده‌ی ۱۸ آیین نامه‌ی اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۷۸ بر خلاف اصول و مبانی حقوق اسلام زمینه‌ی بازداشت زوج‌های بدهکار را تسهیل و چنین مقرر می داشت: «چنانچه استیفای محکوم به... ممکن نباشد، محکوم علیه به درخواست ذی نفع و به دستور مرجع صادرکننده حکم تا تأدیه‌ی محکوم به یا اثبات اعسار حبس می شود...». حبس زوج (بدهکار) تا تأدیه‌ی محکوم به (مهر) یا اثبات اعسار بر خلاف مصلحت خانواده‌ها و اصول و مبانی مسلم حقوق اسلام تلقی می شد که با دستور (۱۶ مرداد ۱۳۹۱) رئیس قوه‌ی قضاییه بار اثبات اعسار یا ناتوانی مالی از عهده‌ی زوج برداشته شد و بار اثبات ملاتت زوج بر عهده‌ی زوجه گذاشته و به درستی مقرر شد: «ج-... چنانچه ملاتت محکوم علیه نزد قاضی دادگاه ثابت نباشد از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد آزاد می شود».

ماده‌ی ۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مقرر می دارد: «در صورت عدم تمکن مالی هر یک از اصحاب دعوی دادگاه می تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت هزینه‌ی دادرسی، حق الزحمه‌ی کارشناسی، حق الزحمه‌ی داور و سایر هزینه‌ها معاف یا پرداخت آن‌ها را به زمان اجرای حکم موکول کند. همچنین در صورت اقتضاء ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل، دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل معاضدتی تعیین می کند». بالاخره ماده‌ی ۵ آیین نامه‌ی اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ مقرر می دارد: «احراز عدم تمکن مالی اصحاب دعوی، موضوع ماده‌ی ۵ قانون، به تشخیص دادگاه است و نیاز به تشریفات دادرسی و حکم اعسار ندارد. در صورت نیاز، دادگاه در وقت فوق العاده تحقیقات لازم را انجام خواهد داد».

۲- رأی ۱۳۸۸/۶/۱۵، دادنامه‌ی شماره‌ی ۴۸۸.

در مورد تعدیل مهر، چند نظر قابل ارائه است که پس از تمهید یک مقدمه‌ی ضروری، به ترتیب ذیل مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تعدیل مهر، تصحیح اشتباه، افزودن بر مهر، کاستن از مهر.

بخش نخست: ^۱ مفاهیم

مقدمه

برای تبیین دقیق جواز یا عدم جواز تعدیل و امکان افزودن یا کاستن از مقدار مهر، تحلیل مختصری از رابطه‌ی حقوقی عقد نکاح و مهر و زمان تعیین و تأدیه‌ی آن و برخی از اصطلاحات مرتبط با تأدیه و تعدیل به عنوان مقدمه و به ترتیب ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱- رابطه‌ی حقوقی عقد نکاح و مهر

چنان‌که گفته شد: بدون تردید نکاح یک عقد غیر مالی است که به سبب آن بین زن و مرد رابطه‌ی زوجیت ایجاد می‌شود و تعیین مهر در تشکیل و اعتبار عقد (نکاح دائم) دخلتی ندارد و بطلان تراضی ناظر بر مهر به صحت و اعتبار آن آسیبی نمی‌زند. گرچه عقد نکاح و شروط آن با اراده‌ی زوجین محقق می‌شود ولی به دلیل اهمیت نهاد خانواده در روابط اجتماعی، قانون‌گذار این رابطه را مدیریت و احکام متعدد مالی و غیر مالی گوناگونی را بر آن بار می‌کند. مهر یکی از احکام مالی عقد نکاح است که قانون‌گذار اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل شده و احکام و مقررات متعددی را در مورد آن به تصویب رسانده است (مواد ۱۰۸۷-۱۱۰۱ ق.م. و برخی از مواد قوانین متعدد حمایت خانواده از جمله مواد ۴، ۲۲ و ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱).

۱- بخش دوم سخن سردبیر در شماره‌ی بعد فصلنامه (زمستان ۱۳۹۳) منتشر می‌شود.

۱- قانون‌گذار بر مبنای ماده‌ی ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ از افزایش بی‌رویه‌ی مهریه‌ها به طور نسبی و ناقص پیشگیری می‌کند و وصول مهریه‌های (تعیین شده در زمان تشکیل عقد نکاح) تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن را مشمول مقررات ماده‌ی ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی قرار می‌دهد. ولی حمایت مذکور کافی به نظر نمی‌رسد. زیرا تعیین مهریه‌های گزاف همچنان ادامه دارد.

بنابراین، گرچه مهر مالی است که به مناسبت ازدواج و به حکم شرع با شرایطی به زوجه تعلق می‌گیرد ولی تعلق مهر به زوجه نه به عنوان رکن عقد نکاح یا شرط صحت آن بلکه به عنوان یک سنت نیکو و هدیه‌ای اختیاری است که باید مورد پسند زوجه نیز واقع شود. به همین دلیل است که تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است (ماده‌ی ۱۰۸۰ ق.م.).

۲- مفهوم و اقسام تعدیل مهر

تعدیل مهر در معانی مختلفی به کار می‌رود و به صورت عام، خاص و اخص قابل استفاده است؛ تعدیل مهر به معنای عام به هر یک از مفاهیم ذیل اطلاق می‌شود: تجدید نظر در مقدار مهر (افزودن یا کاستن از آن و هماهنگ کردن مهرهای تعیین شده با وجه رایج یا معادل آن با شاخص‌های جدید بانک مرکزی)، تغییر نوع و جنس مهر، تغییر زمان و مکان تأدیه و تقسیط آن. ولی مقصود از تعدیل به معنای خاص یعنی افزودن یا کاستن از مهر با تراضی زوجین یا حکم دادگاه یا قانون و تعدیل به معنای اخص هماهنگی مهر با شاخص‌های جدید بانک مرکزی که نوعی افزایش متناسب با نرخ رسمی تورم است. تقسیط مهر و اصلاح اشتباهات ثبتي نیز نوعی تعدیل در معنای عام آن به شمار می‌رود. تعدیل را به اعتبار قدرت مجاز تصمیم‌گیرنده و مرجع صالح تعدیل می‌توان به اقسام ذیل تقسیم نمود.

تعدیل قانونی مهر- مقصود از تعدیل قانونی مهر متناسب کردن ارزش از دست رفته‌ی مهر به حکم قانون است (ماده واحده‌ی قانون الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۱۰۸۲ ق.م. مصوب ۱۳۷۶).

تعدیل قضایی مهر- تعدیل مهر به حکم دادگاه تعدیل قضایی نامیده می‌شود؛ با توجه به اصل آزادی قراردادی و احترام به انتخاب زوج و زوجه، تعدیل قضایی مهر فقط در صورت اصلاح اشتباهات ثبتي، غرور و تدلیس قابل دفاع است.

تعدیل قراردادی مهر- تعدیل قراردادی مهر این است که زوجین با تراضی هم میزان مهر را با افزودن یا کاستن از آن تعدیل کنند.

تعدیل ایقاعی مهر- مقصود از تعدیل ایقاعی مهر این است که حسب مورد زوج با اراده‌ی خود میزان مهر را به نفع زوجه افزایش دهد یا زوجه از میزان مهر به سود زوج بکاهد.

گفته شد که: تعدیل مهر با کاستن از مقدار آن با ابراء بخشی از ذمه‌ی زوج تفاوت اساسی دارد (ر.ک: ش ۶).

۳- زمان و صورت های تعیین مهر

بر مبنای حکم صریح قرآن کریم زوج ها باید مهر زنان خود را به عنوان هدیه به آن ها بپردازند (واتوا النساء صدقاتهن نحله... نساء/آیه ۴)

از ظاهر آیه حال بودن مهر یا دست کم استحباب آن بر می آید.

با وجود این، گرچه در اغلب موارد مهر پیش از عقد تعیین می شود ولی به موجب شرط ضمن عقد نکاح تا سر رسید معین یا اغلب به صورت عندالمطالبه و گاه تا زمان استطاعت مالی زوج و مطالبه‌ی زوجه بر ذمه‌ی زوج باقی می ماند.

چنان که گفته شد: به طور معمول یکی از موضوعاتی که پیش از عقد نکاح مورد توافق قرار می گیرد مهر است.

بنابراین ازدواج دائم ممکن است به یکی از صورت های ذیل منعقد شود:

ازدواج با تعیین مهر؛

ازدواج با تفویض اختیار تعیین مهر به زوج یا زوجه یا ثالث؛

ازدواج بدون تعیین مهر؛

ازدواج با شرط عدم مهر؛

ازدواج با مهری که مالیت ندارد؛

ازدواج با تعیین مال غیر به عنوان مهر.

تمام نکاح های دائم مذکور صحیح اند و جز مورد نخست در دیگر موارد مهر بعد از تشکیل عقد تعیین می شود.

۴- شیوه های تأدیه مهر

همان طور که تعیین مهر در اختیار زوجین است و آن ها در این مورد اختیار دارند، تأدیه و تجدید نظر در مهر (با کاستن یا افزودن)، تغییر جنس، زمان و مکان تأدیه‌ی آن نیز به تراضی آن ها بستگی دارد.

تجدید نظر در مقدار مهر با تأدیه‌ی آن همواره ملازمه ندارد. زیرا چه بسا زوج و زوجه، در صورتی که منعی در کار نباشد،^۱ در مقدار مهر تجدید نظر نمایند ولی ممکن است در پاره‌ای از موارد با وجود تعدیل مهر (افزایش یا کاهش مهر) هیچ گونه تأدیه‌ای صورت نگیرد و مهر تعدیل یافته بر ذمه‌ی زوج باقی بماند. از طرف دیگر در بیشتر موارد زوج بدهی خود را بدون هرگونه تجدید نظر و اعتراض تأدیه می‌کند. مهر ممکن است به صورت یک جا به زوجه تأدیه یا بر مبنای تراضی زوجین تقسیط شود.

۵- تفاوت بین افزودن بر مهر و تعدیل آن

مفهوم افزودن بر مهر و تعدیل آن دو نباید با هم خلط شوند؛ زیرا تعدیل (قراردادی، قانونی یا قضایی) مهر هنگامی مطرح می‌شود که مهر غیر واقعی یا ناعادلانه تعیین شده باشد یا تغییر اوضاع و احوال ارزش مهر (واقع در ذمه‌ی زوج) را چنان تغییر دهد که تأدیه‌ی آن بی ثمر باشد. ولی افزودن بر مهر، چنان که از ظاهر عبارت بر می‌آید، امری سلیقه‌ای است و جز در مورد جبران ارزش از دست رفته‌ی مهرهای ریالی واقع در ذمه‌ی زوج و رفع اشتباهات و اصلاح سند، نامعقول و غیر منطقی به نظر می‌رسد.^۲

۶- تفاوت تأدیه و کاستن از مهر

در اصل دین مربوط به مهر نیز مانند هر بدهی قابل تأدیه و تعدیل با اصلاح و افزایش یا کاهش (در صورتی که منعی در کار نباشد) است. چنان که گفته شد: تأدیه‌ی تمام یا بخشی از مهر را نباید با تعدیل آن و کاستن از میزان مهر خلط نمود؛ زیرا: تعدیل مهر به شیوه‌ی کاستن از مقدار آن هنگامی محقق می‌شود که به حکم قانون یا دادگاه یا تراضی دو

۱- مطابق رأی (۱۳۸۸/۶/۱۵) هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: ...مهریه‌ی شرعی همان است که در ضمن عقد واقع شده است و ازدیاد مهر بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و ترتیب آثار مهریه بر آن خلاف موازین شرع شناخته شد.

۲- سبب مالکیت زوجه بر مهر، عقد نکاح و رضای زوج است که در این صورت مالکیت او مشروع و گرنه با فقدان سبب و افزودن بی مبنای جز در صورت تعدیل مهر، از مصادیق اکل مال به باطل و حرام خواهد بود؛ مگر این که صاحب مال (زوج) مال خود را با عنوان دیگری مانند هبه یا صلح به زوجه تملیک کند؛ ولی چنان که گفته شد: هر تملیک با تأدیه‌ی افزودن بر مهر محسوب نمی‌شود و ماهیت حقوقی دیگری دارد.

طرف، مهر به صورت واقعی، عادلانه و منطقی خود باز گردانده شود؛ ولی تأدیه مهر به یکی از روش‌های متعارف پرداخت دین، صورت می‌گیرد و زوج بدهی خود را درباره‌ی مهر (بدون کاستن از مقدار آن) به زوجه یا نماینده‌ی او می‌پردازد.^۱

ذمه‌ی زوج نسبت به مهر (حال یا مؤجل) هنگامی بری می‌شود که حسب مورد عین مهر معین و مثل یا قیمت آن را در صورتی که تلف شده باشد، به زوجه یا نماینده‌ی او بپردازد. اگر دین مربوط به مهر مال کلی باشد، با تسلیم مصداق متعارفی از آن به زوجه یا نماینده‌ی او ذمه‌ی زوج بری می‌شود (مستفاد از مواد ۲۷۱، ۲۸۰ و ۲۷۲ ق.م.).

ابراء ذمه‌ی زوج از طرف زوجه نیز در حکم پرداخت است (مواد ۲۸۹ و ۲۹۰ ق.م.). به علاوه هرگاه ذمه‌ی زوج نیز به میزان دین مربوط به مهر به زوج مشغول شود و شرایط تهاتر فراهم گردد هر دو دین ساقط می‌شوند (مواد ۲۹۴ به بعد ق.م.).

هبه‌ی دین مربوط به مهر و همچنین صلح آن نیز دو قالب حقوقی معتبری به شمار می‌روند که برای برائت زوج از دین مهر، در پاره‌ای از موارد مفید به نظر می‌رسند. کاستن از مهر با تراضی دو طرف یا اراده‌ی زوج کافی به نظر می‌رسد. با وجود این نباید بین مفهوم ابراء دین مربوط به مهر و کاستن از میزان مهر را با هم خلط کرد. گرچه نتیجه‌ی ابراء بخشی از مهر و کاستن همان مقدار از بدهی زوج نسبت به مهر یکی است ولی نتیجه‌ی مذکور با دو روش متمایز و مستقل حقوقی دو گانه (تأدیه‌ی مهر و کاستن از میزان آن) به دست می‌آید.

معیار تشخیص روش‌های مذکور از همدیگر، خواست و اراده‌ی زوج است.

۷- اصلاح اشتباهات راجع به (مقدار، جنس، زمان و مکان تأدیه‌ی) مهر

هرگاه در ثبت مقدار، جنس، حال یا مؤجل بودن، یا دیگر شرایط مهر اشتباهی رخ دهد و سند نکاح به صورت اشتباه تنظیم گردد، در صورت اثبات مسأله باید اشتباهات مذکور

۱- چنان که هرگاه زوجه بخشی از حق دینی خود را از ذمه‌ی زوج ابراء کند، ذمه‌ی زوج به همان مقدار از دین مربوط به مهر بری می‌شود ولی کاستن از مهر محقق نمی‌شود.

اصلاح شود. بنابراین موارد تراضی زوجین در مورد مهر، باید اصلاح و به صورت واقعی خود برگردد.

اشتباه در سند با هر یک از ادله و حسب مورد با اقرار هر یک از زوجین (به ضرر خود) قابل اثبات به نظر می‌رسد.

۸- تنفیذ مهر فضولی

چنان‌که گفته شد: تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است (ماده‌ی ۱۰۸۰ ق.م.). بنابراین هرگاه مهر بدون تراضی و به صورت فضولی تعیین شود، نافذ و معتبر نیست و حسب مورد به تنفیذ اصیل یا صاحب مال نیاز دارد. بنابراین هرگاه مهرالمسمی ملک غیر باشد، در صورت تنفیذ صاحب مال (غیر) همان مال به عنوان مهر به زوجه داده می‌شود و در صورت رد صاحب مال، زوج باید مثل یا قیمت آن را به زوجه بپردازد (مستفاد از ماده‌ی ۱۱۰۰ ق.م.).

ادامه‌ی مطلب را در شماره‌ی بعد این فصلنامه بخوانید.